

**موضوع:** كتاب الإجارة/أركان الإجارة /معنای لغوی و اصطلاحی إجاره

بحث اخلاقی: آشکار شدن حقیقت علم در خشوع بر پروردگار

دیروز از باب تیمن و تبرک قبل از شروع درس در باب فضیلت علم یک آیه‌ی قرآن و روایتی که در تفسیر این آیه وارد شده است را نقل کردیم، امروز نیز متذکر آن می‌شویم و قدری توضیح راجع به این روایت و آیه‎ی کریمه‌ای که سبب صدور این روایت شده است که هر دو مهم هستند را بیان می‎کنیم:

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول» به نقل از کتاب «کافی» از مرحوم کلینی این روایت را نقل می‎کند: «علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى، عن يونس، عن حماد بن عثمان، عن الحارث بن المغيرة النصري، عن أبي عبد الله عليه‌السلام في قول الله عز وجل ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾[[1]](#footnote-1) قال يعني بالعلماء مَن صدَّقَ فعلُه قولَه ومَن لم يصدق فعلُه قولَه فليس بعالم.»[[2]](#footnote-2)

کلام علامه مجلسی در توضیح حدیث: «الحديث الثاني: صحيح. قوله تعالى ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ﴾ صريح الآية أن الخشية لا يصدر من غير العالم لكن يدل بحسب السياق أن الخشية من لوازم العلم لا تنفك عنه و عليه بناء الخبر كما تدل عليه الأخبار.

قوله عليه‌السلام: من صدق فعله، قيل: المراد بمن صدق فعله قوله من يكون ذا علم ومعرفة ثابتة مستقرة، استقرارا لا يغلبه معه هواه و المعرفة الثابتة المستقرة كما تدعو إلى القول و الإقرار باللسان تدعو إلى الفعل والعمل بالأركان، والعالم بهذا المعنى له خشية من ربه تؤديه إلى الإطاعة والانقياد قولا وفعلا.»[[3]](#footnote-3)

بیان استاد: همان طور که مرحوم علامه فرموده‌اند این حدیث صحیحه است یعنی سند آن معتبر و صحیح می‌باشد؛ وقتی از امام صادق(ع) از تفسیر آیه ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾ سؤال شد حضرت در جواب فرمودند: در این آیه مقصود خدای متعال از عالمی که خشوع واقعی را برای خدا دارد عالمی است که رفتار و عمل او تصدیق کننده‌ی گفتار و نصیحت او باشد و إلا نام چنین کسی را نمی‌توان عالم گذاشت؛ در این آیه از ادوات حصر استفاده شده است و نتیجه‌ی چنین استعمالی آن است که فقط بندگان عالم استعداد خشوع و فرمانبرداری واقعی را در مقابل پروردگار عالم دارند و اگر کسی خود را عالم معرفی کند ولی نشانه‌ی خشوع در او نباشد چنین کسی اصلا عالم نیست، اگر کسی از روی علم به مردم بگوید که دروغ نگویید، نماز بخوانید، روزه بگیرید و به دیگران ظلم نکنید و خودش نیز به این گفتار عمل کند او عند الله و عند اهل البیت(ع) عالم واقعی است.

مرحوم علامه مجلسی در تفسیر این آیه‎ی کریمه می‌فرماید: این آیه صریح است در نفی خشوع در مقابل خدا از غیر عالم، لکن سیاق این آیه می‌رساند که خشوع در مقابل پرودگار از لوازم علم است و هرگز از آن جدا نمی‌شود و بر همین اساس که خشوع از علم واقعی جدایی پذیر نیست این روایت بنا شده است و سایر اخبار نیز بر همین مضمون دلالت دارند.

در ادامه مرحوم علامه می‌فرماید: مقصود امام(ع) از این که فعل عالم تصدیق کننده‌ی قول اوست این است که اگر کسی یک علم و معرفت ثابت و مستقر در خود داشته باشد علمی که به همراه آن هوا و هوس نباشد چنین علمی صاحب خود را در مقابل خدا به تواضع و خشوع وا می‌دارد؛ یک معرفت ثابت و عمیق همان طور که صاحب خود را به اقرار کلامی و اعتراف به حق وا می‌دارد همان طور هم صاحب خود را به رفتار و عمل متناسب با گفتارش دعوت می‌کند و اگر کسی به چنین معنایی عالم شود روحیه‌ای در او پدیدار می‌شود که او را به اطاعت و فرمانبرداری از خدای متعال در زبان و عمل وادار می‌کند.

اما راجع به این آیه‎ی کریمه، همان طور که از مرحوم علامه مجلسی نقل شد که فرمود: «صريح الآية أن الخشية لا يصدر من غير العالم» صریح آیه دلالت بر این دارد که غیر عالم هرگز در مقابل خدای متعال خشیت ندارد و امکان ندارد که قلب جاهل در مقابل خدای متعال به حقیقت خشیت دست یافته باشد، این سخن بسیار مهم و سنگین است باید ببینیم که وجه چنین حصری به چه چیزی بر می‌گردد.

در این موضوع از مجموع کلمات بزرگان و علماء دو مطلب را می‎توانیم به دست بیاوریم؛

مطلب اول: ملازمت خشیت با علم: یکی از این دو وجه این است که خشیت از غیر عالم صادر نمی‌شود، زیرا هر جا علم و آگاهی از یک واقعیت سرنوشت ساز باشد بلا فاصله خوف و احتیاط نیز از پی آن خواهد بود مثلا: حیواناتی مانند شیر و پلنگ و گرگ جزء سباع و درندگان به حساب می‌آیند و ذات آنها طوری است که در صدد دریدن و تکه تکه کردن سایر حیوانات و حتی دریدن انسان بر می‌آیند، همه‎ی آدمهایی که خوب و بد را از هم تمییز می‌دهند به این خاصیت حیوانات درنده علم دارند و به همین دلیل خود را در معرض تسلط این حیوانات قرار نمی‌دهند و به شدّت از آنها خوف دارند ولی اگر وضعیت زندگی کسی طوری باشد که شناختی از این حیوانات نداشته باشد مانند بچه‌ی خردسال و گمان کند که این حیوانات نیز مانند یک برّه و گوسفند بی‌آزار هستند چه بسا خود را به این حیوانات نزدیک کند و بخواهد آنها را مانند یک برّه مورد نوازش و أنس قرار دهد و این اقدام او به جهت جهل از شناسایی این قبیل حیوانات است، مثال دیگر این که اگر کسی فرق بین عنکبوت و سایر گزندگان مثل عقرب و رتیل و مار سمی را نداند بی مهابا خود را به این موجودات گزنده نزدیک می‌کند همان طور که یک بچه خود را به یک عنکبوت نزدیک می‌کند و این رفتار او نشانه‌ی جهل او از این موجودات کشنده است ولی معمولا مردم از این قبیل گزندگان به شدت خوف دارند و هرگز اجازه نمی‌دهند در محل زندگی آنها این موجودات جولان بدهند و این خوف و احتیاط آنها به علم آنها نسبت به این جانوران بر می‎گردد.

کسی که خدا را شناخته است و به این باور رسیده است که حیات و ممات به دست اوست؛ امر و خلق به دست اوست؛ عالم سِرّ و خفیّات است؛ اگر گناه و خطائی در خَفی مرتکب شده باشد خداوند بر او علم دارد و می‌تواند او را مورد عقوبت قرار دهد؛ بر هر کاری قادر است و اگر اراده کند بالاترین عذاب‌ها را وارد می‌کند و هیچ قدرتی جلودار اراده‌ی او نیست، با چنین علمی بالاترین تواضع‎ها و کرنش‎ها و احترام‌ها را نثار چنین خدایی می‌کند و به شدّت از مخالفت با او خائف و ترسان می‌شود و سایر قدرت‎هایی که او را وادار به مخالفت با چنین خدایی می‎کنند همه را کنار می‎زند و این به برکت علمی است که نسبت به حقانیت خدای متعال به دست آورده است و چنین خوفی نشانه‎ی عقل و درایت اوست، و کسی که از خدا خوف و خشیت ندارد نشانه‌ی جهل او به عظمت خداست.

مطلب دوم: تفاوت خوف و خشیت: خوف و خشیت هر دو به معنای ترسیدن هستند ولی بزرگانی مانند شیخ طوسی[[4]](#footnote-4) بین این دو کلمه یک تفاوت ظریفی را قائل شده‌اند و می‌توان چنین مضمونی از سخنان ایشان برداشت کرد که خوف در جایی است که انسان مرتکب عمل زشت و گناهی شده باشد و از عقوبت آن گناه یک دل‌شوره و نگرانی قلبی برای او ایجاد شده باشد که نکند دچار عقوبت شود ولی اگر خلافی مرتکب نشده باشد بلکه جلال و شکوه و هیبت بزرگی موجب یک حالت دل‎هره و ترسی در وجود مخاطب او شده باشد این حالت را خشیت می‌گویند مانند این که یک آدم معمولی در مقابل یک آدم بسیار معروف قرار بگیرد آثار تواضع و توجه همراه احترام در چهره و رفتار این آدم معمولی مشاهده خواهد شد.

نقل می‌کنند که به نظر برای وزیر خارجه آلمان ملاقاتی با حضرت امام(ره) همانگ شده بود، در فیلم تهیه شده مشاهده می‌شود این وزیر وقتی در مقابل مرحوم امام قرار گرفته بود از دیدن هیبت و نورانیت و بزرگواری امام یک حالت لرزش و اضطرابی تمام بدن این وزیر را احاطه کرده بود.

وقتی بندگان خدا عظمت آسمان و زمین و شگفتی‌های آنها را مورد التفات قرار می‌دهند، پی به عظمت خالق کائنات می‌برند و جلوه‌ای از علم و قدرت و لطف خدای متعال در باور آنها نمایان می‌شود و یک حالت تواضع و کرنش و احترام زائد الوصف در روحیه‌ی آنها نسبت به خدای متعال ایجاد می‌شود و چنین حالتی همان حالت خشیت است و اگر مرتکب گناه و معصیتی شده باشند یک حالت دیگر که خوف از عقوبت گناهان است در انسان به وجود می‌آید و یقینا هر دو حالت از فضائل ارزشمند به حساب می‌آیند و موجب می‌شوند که عزم بر انجام واجبات و ترک محرمات و جبران گناهان در روحیه‌ی انسان نهادینه شود.

نشانه‌های قدرت خدای متعال در بیان قرآن کریم: پروردگار عالم به منظور تذکر به اهل تعقل و انصاف، در سوره‌ی مبارکه شوری نمونه‎هایی از تجلی قدرت خود را در خلقت آسمان و زمین متذکر می‌شود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾[[5]](#footnote-5) «و از آيات اوست‌آفرينش آسمانها و زمين و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر گردآورى آنها تواناست.»[[6]](#footnote-6)

بیان استاد: وقتی انسان آثار قدرت و علم و حکمت خدای متعال را در آفرینش آسمان و زمین مشاهده می‌کند به شدّت در شگفتی و حیرت باقی می‌ماند و حتی خود خدای متعال نیز عنایت دارند که بندگان او به آثار صُنع او توجه کنند و نمونه‌هایی از این آیات را در کلام خود در قرآن کریم متذکر می‌شود چنانچه در سوره شوری خلقت آسمان‎ها و زمین و آنچه در بین آن دو به دست قدرت خدا بسط و گسترش پیدا کرده است را نمونه‌ای و نشانه‌ای از عظمت خود معرفی می‎کند؛ حقیقت غیر از این نیست، خدایی که قادر است این آسمان به این گستردگی را بیافریند، آسمانی که امکان مشاهده‌ی ابتداء و انتهاء آن برای بشری که در این دوران به وسائل پیشرفته مجهز شده است وجود ندارد، به قدری این آسمان گسترده است که ستاره‎ها و کرات موجود در آن قابل شمارش نیستند و فاصله‌ی هر کدام از آنها بعضا به میلیاردها سال نوری می‎رسد، بسیاری از این کرات و ستاره‎ها حجم عظیمی را شغال نموده‌اند که عقل آدم از درک آن عاجز است، مثلا کره‌ی زمین با این گستردگی و عظمتی که دارد و تا این زمان با این جمعیت بالا بسیاری از نقاط آن ناشناخته مانده است با این حال خورشید یک میلیون و سیصد هزار برابر کره زمین است و تمام قسمت‌های آن منبع عظیمی از نور و حرارت را تشکیل داده است که میلیون‎ها سال مدام به نور افشانی و گرما دهی به کرات فراوان از جمله کره زمین مشغول است و ستاره‎های دیگری در این هفت آسمان وجود دارد که برخی از آنها میلیون‎ها برابر خورشید هستند و اما این کره زمین که به لطف خدا حیات و روزی ما به آن وابسته است چنان شگفتی‌های عظیمی را در خود جای داده است که برای اهل تعقل صفحه‌ی متنوعی از آیات الهی را به تصویر کشیده است؛ از کوچکترین موجودات مانند مولکول و ویروس و میکروب و باکتری تا موجدات دیگر که ظاهراً کوچک هستند مانند حشرات و موجودات بزرگتر مانند گاو و گوسفند و شتر و گیاهان مختلف از علوفه گرفته تا درختان تنومند چند هزار ساله و انواع میوه‎ها و سبزیجات و داروهای گیاهی و از طرفی انواع معادن ارزشمند همه و همه به قدرت خدای متعال در این زمین گسترده است و همچنین سایر موجوداتی که ظاهرا به چشم ما قابل مشاهده نیستند مانند اجنّه و ملائکه که فوج فوج بین آسمان و زمین پراکنده هستند همه و همه نشانه‎هایی از آثار قدرت خدا هستند با این همه فراوانی و تنوع و گستردگی این مخلوقات خدا در بین آسمان‎های هفت‎گانه و زمین در ادامه خدای متعال در این آیه می‌فرماید: ﴿وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ و خداوند اگر بخواهد قادر است همه‌ی این مخلوقات پراکنده مانند این جنبندگان و موجوات را کنار هم جمع کند و همه‌ی این ستارگان و کرات را با وجود این فاصله‎های حیرت آور به هم نزدیک کند.

با این اوصاف کسی که به این آیات الهی علم داشته باشد و به آنها التفات نماید بی‌اختیار حالت کرنش و خشیت نسبت به خالق این کائنات در او ایجاد می‌شود و این جاست که حقیقت این آیه ﴿إِنَّما يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ﴾ بیشتر نمایان می‌شود که تنها خشوع ارزشمند و سازنده مخصوص عالمانی است که به آثار قدرت خداوند توجه دارند و از روی علم و معرفت بر خدای متعال کرنش می‌کنند و خود را برای اطاعت و فرمانبرداری از چنین خدایی آماده می‌کنند و اگر کسی پیدا شود که خود را عالم بداند ولی آن حالت خشیت را نداشته باشد و خود را برای اطاعت بی چون و چرا از فرامین خدای متعال آماده نکرده باشد هرگز نمی‎توان نام او را عالم گذاشت، ما که خود را عالم دینی می‎دانیم باید این قبیل آیات و روایات را نصب العین خود قرار دهیم و چنان رفتاری از ما سربزند که متناسب با گفتار ما باشد؛ گفتاری که در آن سخن از حقانیت خدای متعال و حقانیت قیامت و حساب و کتاب در روز قیامت و توجه به انجام واجبات و ترک محرمات و رعایت حدود الهی و اجتناب از ظلم در آن قرار گرفته است.

إن شاء الله در جلسه‎ی اخلاقی بعدی به ادامه این موضوع خواهیم پرداخت.

وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. [سوره فاطر/آیه28](https://lib.eshia.ir/17001/1/437/28). [↑](#footnote-ref-1)
2. [مرآة العقول، علامه مجلسی، ج1، ص118، باب صفة العماء، ح2، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/الحارث). [↑](#footnote-ref-2)
3. [مرآة العقول، علامة مجلسی، ج1، ص118، دار الکتب الإسلامیة](https://lib.eshia.ir/71429/1/118/الثاني). [↑](#footnote-ref-3)
4. «[شیخ طوسی ذیل آیه ۱۸](http://wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%B4%DB%8C%D8%AA_(%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%A7%D8%B8_%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)) سوره فاطر یادآور شده که منظور آیه این است که تنها کسانی که در خلوت خود از خداوند می‌هراسند و به او خشیت می‌ورزند و از معاصی اجتناب می‌کنند، از بیم دادن حضرت رسول بهره می‌برند.» [↑](#footnote-ref-4)
5. [سوره شوری/آیه29](https://lib.eshia.ir/17001/1/486/29). [↑](#footnote-ref-5)
6. [ترجمه قرآن، مكارم شيرازى، ناصر، ج1، ص486، دارالقرآن الکریم](https://lib.eshia.ir/10313/1/486/29). [↑](#footnote-ref-6)